

استوارسازی بازخورد دانش پژوهانه و گسترش فرهنگ دانش پژوهی: راه کاری برای بهبود دانش پژوهی در زمینه های انسانی

منصورعلی حمیدی^۱

چکیده

از دیدگاه سازایی گری، آدمی در گذر روزگار می آموزد که چگونه به پدیده های جهان هستی واکنش نشان دهد. این واکنش ها همچون آدمی، سرشتی سه سویه دارند: شناختی، دل خاسته و رفتاری. به چنین واکنش های از پیش آموخته، بازخورد می گوئیم؛ چون در برخورد با پدیده های گوناگون از ما سر می زنند و از پدیده ای به پدیده دیگر ناهمانندند؛ همان گونه که از فردی به فرد دیگر ناهمانندی دارند. این گونه بازخورد رودرروی فرهنگ قرار می گیرد چون فرهنگ را نیز می توان دستاوردهای شناختی، دل خاسته و رفتاری آدمی دانست. رودرروی بازخورد و فرهنگ از این رو زن است که یکی سرشتی فردی دارد و دیگری گروهی! از

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء

۲۰۸ راهکارهایی برای ارتقاء علوم انسانی در کشور

این‌رو، از هم جدا نشدنی هستند؛ همان گونه که فرد و گروه چنانچه بازخوردها و فرهنگ‌ها گوناگونند و در میان آنها بازخورد دانش پژوهانه و فرهنگ دانش پژوهی است که میزان استواری و گسترده‌گی آن، زمینه‌ساز «چون‌بود» دانش پژوهی در هر کشوری و هر زمینه‌ای می‌شود. مراد از گونه نخست، بازخوردی است که یک دانش پژوه راستین به هستی و به‌ویژه به کنش ارجمند دانش پژوهی دارد. مراد از گونه فرهنگی هم آگاهی‌ها، باورداشت‌ها، ارزش‌ها و رفتارها و دستاوردهایی است که گروه دانش پژوهان را یک گروه می‌کنند. شناخت این دو و میزان استواری و گسترده‌گی آن‌ها در ایران و در زمینه‌های انسانی، می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به راهکارهایی برای هرچه بالاتر بردن «چون‌بود» دانش پژوهی باشد. بنیادی‌ترین جستاری که می‌توان در این زمینه داشت، همانا گفت‌وگو درباره‌ی زبان دانش پژوهی است که بخردانه بودن و بومی بودن از ویژگی‌های آن هستند. اگر بخواهیم دانش پژوهیمان درست و بومی باشد، آیا بازخورد ما به زبانمان و به دانش پژوهی، دانش پژوهانه است تا بتوانیم سخن از یک شناسه گروهی و یک فرهنگ دانش پژوهی برانیم؟ پاسخ به این پرسش در جستار زیر یافت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، دانش پژوهانه، فرهنگ، سازایی‌گری،